



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

Leiden, 03-04-2010

فیلم تحقیقی " آزار جنسی اطفال " سند جنایت برخی از زورمندان تنظیمی میباشد!

Voilation of children in Afghanistan

تا سه و نیم دهه قبل، زمانیکه فاجعه هفت ثور هنوز آرامش، صلح و ثبات را از کشور ما نگرفته بود، مشکل عمده مردم افغانستان را عقبمانی اقتصادی-اجتماعی، بیسوادی اکثریت مردم و عدم تحرک رژیم برای رفع این نواقص تشکیل میداد. یکی از انحرافات اخلاقی-اجتماعی که محصول همین حالت بود، پدیده شرم آوری بود بنام بچه بازی یا pedofilie. برخی از خانها وزمینداران بزرگ که در زندگی پارازیتی خود مصروفیتی بجز عیش و نوش و فخر فروشی بالای دهاقین زحمتکش ولی بینوا نداشتند، "بچه داشتن" را جزوی از قنخارات خود میدانستند و در محافل خوشی همردیفان خود "بچه" را با خود میبردند و میرقصانند. رژیمهای ضعیف و پوشالی که بعد از هفت ثور بوجود آمدند کاری بجز اینکه بخاطر بقای خویش آدم بکشتند، نداشتند و پرویلیمهای موجود در آن زمان را فقط بزرگتر ساختند. فرمان شماره هشتم تره کی فقط توانست در دسر زودگذری را برای خانهای که پسران شان خلقی نبود ایجاد کند ولی بزودی "بچه بازی" راه خود را در کمیته های حزبی ولایتی، ریاستهای خاد و سایر مراکز قدرت باز کرد. قوماندانهای ملیشیه طرفدار رژیم در همه انحرافات اخلاقی و فساد، منجمله بچه بازی دست کاملاً آزاد داشتند. حتی در کابینه سلطان علی کشتمند یک pedofiel مشهور شامل بود که " به پاس خدمات بزرگ اش به انقلاب (!؟) در سمت شمال"، پست جدید وزارت برایش خلق گردید. بقدرت رسیدن تنظیمها در هشتم ثور ۱۳۷۱ زمینه بسیار مساعدی را برای رشد این عمل جرمی مهیا ساخت. این پروبلیم اجتماعی در نیمه اول سالهای هفتاد هجری-شمسی بحدی حاد گردید که در قندهار یک قوماندان تنظیمی پسری را برای خود علناً نکاح کرد. مردم ما با دیدن و شنیدن این حالات از تنظیمها چنان متنفر شده بودند که حتی گروه عقبگراتریعی طالبان را بر آنها ترجیح میدادند. اکنون هم تنظیمها با مؤفقیت مصروف متنفر ساختن مردم از رژیم فعلی میباشدند. فیلم تحقیقی "بچه بازی" که توسط ژورنالیست پرکار افغان نجیب الله قریشی تهیه گردیده واز طریق سایت افغان-جرمن آنلاین انتشار یافته است، بخش کوچکی از این جنایت مروج در میان زورمندان تنظیمی در ولایت تخار را به نمایش میگذارد. قوماندان دستگیر از طریق یک سلمانی دلال به شکار اطفال محتاج میبردازد. آنها را بنام شاگرد استخدام میکند و به "بی ریش" خود مبدل میسازد. دستگیر جانی با افتخار تعداد قربانیان خود را دو الی سه هزار نفر حساب میدهد. وی میگوید که از بیست سال بدینسو مصروف اینکار است و در پاکستان هم قربانیان خود را از میان اطفال مهاجر میگرفت. قوماندان تنظیمی دیگر بنام مستری "مشهور به جرمن" میگوید: " در زمان قدرت و قوماندانی" بچه بازی را به اوج خود رسانیده بود. هر دو قوماندان به تجاوز جنسی به اطفال نیز اعتراف میکنند. بچه بازی منحصر به قوماندانها نبوده برخی افراد دیگر که با ثروت باد آورده "تاجر" شده اند، به اصطلاح خودشان "بی ریش" دارند و بدینوسیله قدرت و ثروت خود را برخ همدیگر میکشند.

سوء استفاده از ضعف جسمانی اطفال و با فقر فامیل آنها وسیله ساختن اطفال معصوم در خدمت عمل جرمی که "بچه بازی" نامیده میشود به معنی نابود ساختن موجودیت اجتماعی و پامال کردن کرامت انسانی آنهاست. این عمل با اصول اسلام، قانون جزا و کنوانسیون بین المللی حقوق طفل در تضاد میباشد. در جهان امروز طفل از لحاظ قانون یک موجود بی دفاع نیست که زورمندان و خوشونتگران بتوانند بی مهابا بر او بتازند و امنیت فیزیکی و کرامت انسانی اش را پامال کنند. کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق طفل که افغانستان یکی از امضا کنندگان

FAROE, P.O. Box 707, 2300 AS Leiden, The Netherlands.

www.afghandiaspora.org

آنست وبتاریخ ۲ سپتمبر ۱۹۹۰ نافذ شده است دول امضاً کننده را متعهد به تأمین حقوق طفل بر مبنای مواد این کنوانسیون میسازد. بند اول ماده ۱۶ این کنوانسیون چنین پیش بینی میکند: " هر نوع تجاوزبالای آبروشهرت طفل ممنوع میباشد." در بند دوم این ماده چنین تصریح گردیده است: " طفل حق دارد که از وی در برابر این نوع حملات و تجاوزات حمایت قانونی صورت بگیرد." آیا نگهدارندگان قانون در افغانستان از قربانیان بچه بازی حمایت قانونی میکنند؟ فیلم مستند "بچه بازی" به این سوال جواب منفی میدهند. بدتر از همه اینکه افسران پولیس چون ستار خان قوماندان جنایی تخار خود صدر نشین مجالس " بچه بازی" میباشد. اینست عملکردحکومت کرزی به تعهدات بین المللی اش. اینست برخوردافسران و مامورین "جمهوری اسلامی افغانستان" به اصول اسلامی. طبعی است که آقایان کرزی، اتمر، الکو و سلام عظیمی ازین جنایات وشریک بودن مأدوناتان شان در آنها اطلاع دارند ولی بخاطرترسی که ازجنگسالاران دارند، تجاهل عارفانه میکنند.

نقش مطبوعات، بخصوص مطبوعات داخل کشوردر روشن ساختن اذهان اطفال ازخطرات تماس با این هیولا های آدم نما اهمیت زیاد دارد. علاوهافشای مرتکبین این جنایت شنیع وبی نقاب ساختن مقامات دولتی که شریک جرم "بچه باز" ها میباشدند، وظیفه انصراف ناپذیررسانه های غیر وابسته میباشد.

"کمیته حقوق بشر فارو"